

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال بیستم، دوره جدید، شماره ۵، پیاپی ۸۳، بهار ۱۳۸۹

برکه خان و بیبرس: تاثیر عوامل دینی - اقتصادی بر تعمیق روابط تجاری آلتین اردو و ممالیک بحری مصر

یونس فرهمند^۱
قدریه تاج بخش^۲

چکیده

حکومت آلتین اردو از مهمترین هم‌پیمانان دولت ممالیک بود؛ هر دو با مغولان در ایران خصومت بسیار داشتند و این وجه مشترک در تحکیم روابط سیاسی و تجاری آنان تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشت. پس از مرگ مُنگوقاآن، به دلیل اختلافات خان‌های مغول بر سر جانشینی جنگ داخلی ایجاد و سلسله نزاع‌هایی میان آنان و به گونه‌ای ویژه میان دو حکومت رقیب و هم‌مرز آلتین اردو به فرماندهی برکه‌خان و مغولان به رهبری هلاکو آغاز گردید. درگیری هلاکو با برکه بر سر قدرت و اقدام او به قتل و غارت شهرهای اسلامی خاصه بغداد و نابودی خلافت عباسی و نیز جانبداری از مسیحیان و بوداییان در تقابل با مسلمانان، خشم خان مسلمان آلتین اردو را به دنبال داشت و وجود دشمن مشترک هلاکو به نزدیکی و هم‌پیمانی دو حکومت اسلامی ممالیک و آلتین اردو انجامید. این مناسبات

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. farahmand@srbiau.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران. ghtajbakhsh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۸۷/۲۰ تاریخ تصویب: ۸۹/۳/۱۷

حسنة‌ی سیاسی روابط تجاری گسترده‌ی ای را نیز به دنبال داشت؛ حکومت ممالیک به دلیل درگیری در دو جبهه مغولان و فرنگان ناگزیر بود به تقویت نیروی نظامی خود بپردازد. از این رو بیبرس به تجارت برده از دشت قبچاق و بازارهای وابسته به آن در آسیای صغیر و سواحل دریای سیاه روی آورد. در مقابل، برکه نیز با هم پیمانی با بیبرس از مزایای ایجاد رابطه با حکومت‌های هم پیمان ممالیک نظیر بیزانس، سیسیل، آراگون و قشتاله بهره‌مند گردید.

واژه های کلیدی: برکه خان، آلتین اردو، بیبرس، ممالیک بحری،

مصر، تجارت.

طرح مسأله

اگر چه مغولان با لشکرکشی های گسترده‌ی خود به آبادی‌های تجاری زیان بسیاری وارد کرده و کشورهای متمدنی از جمله چین، ایران و عراق را به فرمان خود درآوردند و آخرین خلیفه‌ی عباسی را به قتل رسانده و به شام یورش بردند (وصاف، ۱۲۶۹: ۱/ ۲۰-۲۳، ۳۰، ۴۳-۴۷؛ عینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۱۶۷-۱۸۳) اما آنان ناگزیر شدند برای رفع مایحتاج و آبادانی قلمرو تحت سلطه‌ی خود و نیز استحکام پایه های امپراتوری، به راه‌های ثروت اندوزی بیندیشند. از این رو آنان پس از استقرار و تثبیت، به تجارت و بازرگانی روی آورده و تسهیلاتی برای امنیت جانی و مالی تجار در نظر گرفتند. چنگیزخان و جانشینانش به ویژه قویلای قآن پس از تصرف چین بدین امر اهتمام ورزیدند (وصاف، ۱۲۶۹: ۱/ ۲۰-۲۳؛ نیز نک: بارتولد، ۱۳۵۱: ۲۴۹)؛ چندان که در نتیجه رونق بازرگانی، رودها، لنگرگاه‌ها و بنادر چین سرشار از کالاهای تجاری بود و سالانه دویست هزار کشتی آب‌های یانگ تسه کیانگ را می پیمود. تجار نیز صنایع‌هایی تشکیل داده و با کالاهایی

۱. شبکه "یام" از جمله تمهیدات موثر مغولان برای فرمانروایی بر قلمرو امپراتوری بزرگ مغول بود. وجود این شبکه به دلیل ایجاد نظم و امنیت در راهها، به خصوص در مسیر مغولستان و چین شمالی، رفت و آمد سفرای خارجی را تسهیل و امنیت جانی و مالی تجار را تامین می کرد. نک: رشیدالدین فضل الله، ۱۳۶۲: ۲/ ۱۲۱-۱۲۲، ۱۴۳-۱۴۴.

نظیر ابریشم، برنج، شکر، مروارید و سنگ‌های قیمتی تجارت می کردند. در اثر مساعی مغولان بازارهای چین به بازارهای هندوستان و مالایا پیوند یافت و کشتی‌های تجاری پیوسته به جاوه، سیلان و هند رفت و آمد می کرد (همانجا).

توجه به تجارت و تلاش در جهت بسامان کردن اوضاع اقتصادی در میان خاندان جوچی که خانهای آلتین اردو^۱ از اعقاب اویند، نیز ادامه یافت و آنان در رشد و شکوفایی تجارت دشت قبیچاق نقشی ارزنده ایفا کردند. نوشتار حاضر با تکیه بر منابع اصیل، پس از بررسی اوضاع و اهمیت دشت قبیچاق در قرن هفتم هجری و تحلیل مناسبات تجاری ممالیک بحری مصر در دوره زمامداری بیبرس با آلتین اردو بدین سوال پاسخ خواهد داد که چه علل و عواملی در ایجاد روابط حسنه تجاری بین بیبرس با خانهای آلتین اردو تاثیر داشت؟

اهمیت و اوضاع دشت قبیچاق در قرن هفتم هجری

خان های آلتین اردو نقش مهمی در رونق اوضاع اقتصادی و شکوفایی تجارت دشت قبیچاق داشتند؛ در دهه دوم سده هفتم هجری دشت قبیچاق همانند دیگر مناطق از حملات مغولان در امان نماند و خاصه در مراکز بازرگانی آن ویرانی های بسیاری به بار آمد^۲ (ابن اثیر، ۱۴۰۷: ۱۰ / ۴۱۶-۴۱۸). این حملات که در دو نوبت صورت گرفت، نه تنها با کشتار فراوان مردم، کاهش جمعیت را به دنبال داشت، بلکه بر عرضه و تقاضا و نیز رشد تجارت تاثیر نامطلوبی بر جای گذاشت (نک: همو، ۱۴۰۷: ۱۰ / ۴۱۷-۴۱۸). علاوه بر این، حملات آنان به دیگر مناطق با هدف دستیابی به

۱. آلتین اردو (= اردوی زرین) اصطلاحی است که بر حکومت اعقاب باتو، پسر جوچی، در شمال، جنوب، شرق و غرب دشت قبیچاق و ولایات وابسته به آن اطلاق می شد. برخی از محققان غربی علت این نامگذاری را آراستن اردو و خرگاه خانهای آنان با اوراق زرین می دانند (Spuler, "BATUIDS, ET²", 1986: I/ 1106). ابن بطوطه در وصف خان ازبک، یکی از خانهای بزرگ اردوی زرین، آورده: "او روزهای جمعه پس از نماز در قبه ای به نام قبه زرین که از شاخه های چوبی و آراسته با اوراق زرین ساخته شده بود، می نشست"، ۱۳۵۴: ۱ / ۳۳۲.

۲. به عنوان نمونه در حمله ای که لشکریان باتو در پاییز ۶۳۸ ق به دشت قبیچاق انجام دادند، تمام شهرهای واقع در مسیر رودهای ایلی و چو تا نزدیکی سواحل دریاچه بالخاش را ویران کردند. برای آگاهی بیشتر نک: ویلتس، ۱۳۵۳: ۶۴، ۱۲۴.

چراگاه هایی برای احشام و چارپایان، نیز به نابسامانی اوضاع اقتصادی و رکود تجارت کمک کرد (ویلتس، ۱۳۵۳: ۱۵۴؛ مورگان، ۱۳۷۱: ۱۶۴-۱۶۷).

با وجود این، امپراتوران مغول پس از سلطه بر بخش وسیعی از سرزمین های شرق قلمرو خود و تسخیر خراسان بزرگ و ماوراء النهر، بازرگانان را تشویق کردند تا راه خشکی چین را از طریق ترکستان در پیش گرفته، سپس از طریق شمال دریای خزر عزم بلاد ساحلی دریای سیاه نظیر بندر کافا کنند (Heyd, 1889: 2/70-73) یا از جنوب این دریا، یعنی از طریق ایران، به طرابوزان در جنوب دریای سیاه یا به بندر ایاس در مملکت ارمنی کلیکیه بروند. نظم و امنیت بی خدشه ای که بر سرتاسر قلمرو مغولان سایه افکنده بود، این راه را بر راه دریایی خطرناک اقیانوس هند رجحان بخشیده بود. حال آن که در سده ششم کشتی های چینی از جنوب سیلان به عزم بنادر عربستان بادبان می گشودند. اما اینک فراتر آمدن از سواحل شرق هندوستان ارزشی نداشت^۱ و اغلب بازرگانان ترجیح می دادند در قلمرو مغولان بمانند و از آنجا از طریق بندر ایاس خویشتن را به دریای مدیترانه برسانند (Idem, 1889: 2/ 73 -...).

برکه، خان مسلمان^۲ آلتین اردو که از ۶۵۲ تا ۶۶۳ ق/ ۱۲۵۴ - ۱۲۶۵ م بر دشت قیچاق فرمان راند، در غربی ترین نواحی تحت سلطه مغولان، خان نشین آلتین اردو را تشکیل و با سلطه بر دشت های دن و دنپیر، شبه جزیره کریمه، و دامنه های شمالی قفقاز، دامنه نفوذ خود را تا جنوب دانوب گسترش داد. به علاوه، او شهری به نام سرای برکه را پی ریزی کرد (رمزی، ۱۹۰۸: ۴۱۰/۱-۴۱۱) و با تمهیداتی آن را به مرکز پررونق بازرگانی جهانی مبدل ساخت (همو، ۱۹۰۸: ۳۶۳/۱؛ ابن بطوطه، ۱۳۵۴: ۳۵۶/۱-۳۵۷؛ قلقشندی، بی تا: ۴۵۷/۴). سپس او برخی راههای تجاری قدیمی آسیا و اروپا را که به دلیل وجود راهزنان متروک مانده بود، احیاء کرد و امنیت را در مسیر آن برقرار

۱. ادیسی در این باره گوید: "در قرن ششم کشتی های چینی تا دبیل در مصب رود سند پیش می رفت، اما در قرن هفتم از جزیره سوماترا فراتر نمی رفت و بنابراین تجارت اقیانوس هند که هنوز منافع بی شمار داشت، به دست کشتی های عرب افتاد". ۱۹۷۴: باب اول، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۶۳؛ باب دوم، ۳۶۴ - ۳۶۵.

۲. برکه، پسر جوچی و برادر باتو، نخستین کس از اعقاب چنگیز بود که به دست سیف الدین باختری، عارف بزرگ قرن هفتم هجری، اسلام آورد (عینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۳۶۲).

ساخت (استریکلر، ۱۳۸۰: ۱۸)؛ از جمله این راهها، علاوه بر راهی که از شبه جزیره کریمه آغاز می شد و تا شهر تاتو در چین امتداد می یافت (مری، ۱۳۸۰: ۱۲۰)، می توان به راه دریایی مهمی که از بندر اسکندریه شروع می شد و به شبه جزیره کریمه در غرب دشت قیچاق منتهی می شد و نیز راهی زمینی که از مناطق شمالی ایران می گذشت و پس از عبور از ماوراء النهر و خوارزم به سرای می رسید (قلقشندی، بی تا: ۴/۴۶۹)، اشاره کرد. در پی این تلاشها سرای، پایتخت آلتین اردو، آباد (نک: همو، بی تا: ۴/۴۵۷) و محل آمد و شد تجار و بازرگانان (رمزی، ۱۹۰۸: ۱/۴۱۲) ارمنی، ایرانی، ایتالیایی و مسلمانان مصر و شام گردید (Charles, Halperin, 1983 : 85). حکام آلتین اردو نیز خود از بازرگانان بزرگی بودند که با داد و ستد کالا به تجارت کمک می کردند (میرخواند، ۱۳۳۹: ۵/۱۳۴).

پوست انواع حیوانات (صورتالاقالیم، ۱۳۵۷: ۱۰۴) از قبیل سمور، سنجاب به ویژه قاقم^۱، روباه و قندز (= قندس)^۲ که اغلب جنبه تزئینی داشت از کالاهای مهم صادراتی آلتین اردو به شمار می رفت (همانجا؛ انصاری دمشقی، ۱۳۵۷: ۱۰۴؛ ابن اثیر، ۱۴۰۷: ۱۰/۴۱۷). مارکوپولو در این باره گوید:

«...آنان به قدری پوست های گرانبها دارند که قابل تصور نیست و به جز سمورهای گران قیمت، قاقم، سنجاب سبیری، روباه سیاه، پوست های گرانبهای دیگری نیز دارند. آنان مردمی شکارچی هستند و آن قدر از جانوران می کشند که مایه حیرت است.

همسایگان آنها این پوست ها را از آنان خریده و با فروش آن به دیگر ممالک، سود سرشاری از این تجارت می برند که باورنکردنی است...» (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۲۴۷).

۱. نوعی سنجاب سفید رنگ است.

۲. حیوان کوچکی شبیه سنگ که در خشکی و دریا زندگی می کرد.

اسب^۱، گوسفند و برده (قلقشندی، بی تا : ۲۹/۴) نیز در زمره صادرات آنان بود. موقعیت خاص آب و هوایی دشت قبیچاق زمینه را برای پرورش احشام و چارپایان فراهم می کرد (ابن بطوطه، ۱۳۵۴: ۱/۳۳۱) و گوشت آنها بخشی از غذای مردم را تشکیل می داد (صورالاقالیم، همانجا؛ مستوفی، ۱۳۵۳: ۲/۲۵۹).

علاوه بر اقلام مذکور، اشیای بلوری و سفالی و غله به نقاط مختلف صادر می شد (قلقشندی، بی تا: ۴۵۷/۴، ۴۷۱؛ نیز نک: ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۵۴) اما منابع به جزئیات آن اشاره ای نمی کنند. به علاوه، این سرزمین از مناطق عمده تولید کننده خز بود و خود بر تجارت آن که از طریق دریای خزر و مدیترانه صورت می گرفت، نظارت داشت (8 : Halperin, 1983). آنان این کار را با مساعدت بازرگانان جنوایی انجام می دادند. تجار جنوایی از ۶۶۶ق/ ۱۲۶۸م فعالیت خود را آغاز کردند و با ایجاد کارخانه هایی در بنادر کافا و کریمه، انحصار تجارت در دریای سیاه را در دست گرفتند و به یکی از طرف های تجاری آلتین اردو تبدیل شدند. آنان با فروش کالاهایی نظیر پارچه های فنلاندی در بازارهای قبیچاق، پوست، غله و برده می خریدند و بدین طریق نیاز اروپای غربی به پوست های گران قیمت و غلات را تامین می کردند. بردگان نیز پس از عبور از دریا و بندر قسطنطنیه، در بازارهای مصر به فروش می رسیدند (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۳۰، ۱۵۴؛ مورگان، ۱۳۷۱: ۱۸۹-۱۹۰). شکوفایی اوضاع تجاری آلتین اردو، پای ونیزی ها، رقبای تجاری جنوایی ها، را نیز به نواحی پررونق ولگای سفلی خاصه سرای - بزرگترین مرکز پوست فروشی شمال قبیچاق - (گروسه، ۱۳۷۷: ۶۶۰) و خوارزم باز کرد (بارتولد، ۱۳۷۶: ۱۹۳). این دو شهر به دلیل شرایط مناسب تجاری، نقش مهمی در رونق بازرگانی ممالک تحت فرمانروایی خانهای آلتین اردو داشت. با وجود این، بازرگانان جنوایی در تجارت موفق تر بودند. آنان پس از سقوط امیرنشین

۱. ابن بطوطه در سفرنامه اش به فراوانی و قیمت پایین اسب در دشت قبیچاق اشاره کرده است. ۱۳۵۴: ۱ / ۳۳۴-۳۳۵.

۲. و صاف درباره تجارت در این دوره و تاثیر آن بر دوره های واپسین آورده: "... چون نقای میراثدار مملکت منگوتمر (= منگوتیمور) شد، بار دیگر رسولان روان شده و بازرگانان آمد و شد کردند؛ چندان که اراهه ها از کثرت بردگان، اسبان و گوسفندان موج می زدی... (وصاف، ۱۲۶۹: ۵۱/۱).

صلیبی در ۶۶۰ق/ ۱۲۶۲م، با اتحاد با میخائیل هشتم، امپراتور بیزانس، نه تنها باعث تضعیف توان اقتصادی ونیزی ها و انحصار تجارت خراسان بزرگ و ماوراء النهر در دست خود شدند (ویلتس، ۱۳۶۸: ۱۵۰-۱۵۱)، بلکه به دلیل فعالیت بازرگانان ایلخانی در حوزه‌ی خراسان بزرگ و ماوراء النهر، در کشاکش و رقابت با مغولان قرار گرفتند و این امر موجب نزدیکی بازرگانان جنوایی به آلتین اردو و ممالیک مصر که رقبای سیاسی- اقتصادی مغولان بودند، گردید (همانجا). پر واضح است که اعطای تسهیلات و امکانات از سوی حکومت آلتین اردو به تجار جنوایی در راستای این سیاست ها صورت می گرفت.

به رغم همه تلاشهایی که از سوی خانهای آلتین اردو در جهت شکوفایی اوضاع تجاری قبیچاق صورت می گرفت، جنگهای مستمر آنان با مغولان، به دلیل ایجاد ناامنی و رعب و وحشت در مسیر راههای کاروان رو، ضربات ویرانگری بر بازرگانی وارد می ساخت؛ به عنوان نمونه هلاکو پس از جنگ با برکه خان در نبرد ترک^۱ و بازگشت به تبریز، تمامی بازرگانان قبیچاقی را از دم تیغ گذراند و اموالشان را به غارت برد (میرخواند، ۱۳۳۹: ۲۷۰/۵؛ و صاف، ۱۲۶۹: ۵۰-۵۱).

روابط تجاری مصر و آلتین اردو در دوره بیبرس

با وجود روابط خصمانه مغولان به رهبری هلاکو با ممالیک مصر، مغولان دشت قبیچاق (یا حکومت آلتین اردو) سیاستی کاملاً متفاوت در پیش گرفتند. بی گمان آنان را می‌بایست از مهمترین هم‌پیمانان دولت ممالیک دانست. هر دو دولت با مغولان خصومت بسیار داشتند و این دیدگاه مشترک در تحکیم روابط سیاسی و تجاری آنان تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشت.

پس از مرگ مُنگوقاآن^۲، میان دو برادر او قوییلای و اریق بوکا، که هر دو ادعای قآآنی مغولستان داشتند، و نیز سایر خانهای مغول بر سر جانشینی اختلاف افتاد و به سرعت به جنگ داخلی بدل گردید. این کشمکشها سرانجام با جانبداری الغو، خان جغتای منصوب از سوی اریق بوکا، به سال ۶۶۰ق/ ۱۲۶۲م از قوییلای پایان پذیرفت (رمزی، ۱۹۰۸: ۴۰۵/۱، ۴۱۸-۴۱۹) اما تأثیر منفی خود را

۱. نبردی که در سال ۶۶۱ق میان هلاکو و برکه خان در ساحل رود ترک صورت گرفت. رمزی، ۱۹۰۸: ۴۲۳-۴۲۵.

2. Mongu (Mongka)

بر پیشرفت امپراتوری مغول گذاشت و منجر به تشکیل دو حکومت رقیب آلتین اردو به فرماندهی برکه خان و ایلخانان در ایران به رهبری هلاکو شد که پیوسته با یکدیگر در نزاع بودند؛ پر واضح است که حمایت هلاکو از قویلیای در جریان این نزاعهای خاندانی، به همکاری برکه و اریق بوکا منتج شد و در نتیجه برکه عملاً رابطه خود را با دربار مغول در پکن قطع کرد. با این همه، آغاز تیرگی روابط میان برکه خان و هلاکو به هنگام تصرف بغداد توسط هلاکو در ۶۵۶ق / ۱۲۶۵۸م و جانبداری او از مسیحیان و بوداییان بود^۱ و پس از مسلمان شدن برکه خان و حمایت وی از مسلمانان^۲ در اقدامی تلافی جویانه، بر وخامت بحران افزوده شد (رشیدالدین فضل الله، ۱۳۶۲: ۷۳۳/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۲۳۹/۱۳؛ ابن ابی الفضایل، بی تا: ۱۰۱، ۱۰۳). گویند خان آلتین اردو به قتل و غارت شهرهای اسلامی و خاصه سرنگونی مستعصم عباسی (حک: ۶۴۰-۶۵۶) روی خوش نشان نداد و ظاهراً در مخالفت با این اقدامات هلاکو به تلاشهایی دست زد اما از آن طرفی نسبت (رمزی، ۱۹۰۸: ۱/ ۴۱۴، ۴۱۶ - ۴۱۷). به علاوه، وی به واحدهایی که در لشکر هلاکو داشت، فرمان داد به سپاه ممالیک بپیوندند (مقریزی، ۱۹۵۶: ۱/ ۳۶۴-۳۶۵). او در اعتراض به یورشهای سهمگین هلاکو خشمگینانه واکنش نشان داد و خطاب بدو گفت:

" او (هلاکو) همه شهرهای مسلمانان را ویران کرد و نسل پادشاهان اسلامی را ریشه کن ساخت و در این امر، میان دوست و دشمن تمایزی نگذاشت و خلیفه مسلمانان را بی مشورت به قتل رساند. اگر خداوند عظیم مدد رساند، انتقام خون بی گناهان از او بستانم..."

(رشیدالدین فضل الله، ۱۳۶۲: ۷۳۱/۲؛ رمزی، ۱۹۰۸: ۱/ ۴۲۰)

۱. عینی، ۱/ ۴۱۴. هلاکو بی آن که خوار انگاشتن مسلمانان را پنهان کند، تا می توانست از مسیحیان و بوداییان جانبداری می کرد، وجود کلیساها و پرستشگاهها در شهرهای ایران دال بر تنزل اسلام پس از سقوط خلافت بود (نک: مقریزی، ۱۹۵۶: ۲۴۵/۱). او در نامه ای به پادشاه مسیحی فرانسه، لوئی نهم، و ظاهراً برای خشنودی مسیحیان، شمار کشتگان در بغداد را متجاوز از ۲۰۰ هزار نفر ذکر می کند (Meyvaert, 1980: 245-259). اگر چه ادعای وی چندان درست نمی نماید. برای آگاهی بیشتر نک: رمزی، ۱۹۰۸: ۴۳۱/۱.

۲. در پی مسلمان شدن برکه و بسیاری از قبایل مغول، رؤسای مغولان خشمگین شدند، چندان که تصمیم گرفتند او را خلع کرده و تاج شاهی از او بستانند (Arnold, 1974 : 228-229, 238-240).

با این همه ریشه بسیاری از نزاعها برسر قدرت و دستیابی طرفین به قلمرو یکدیگر بود؛^۱ هلاکو پس از دستیابی به حکومت ایران و تثبیت پایه های آن، برکه را رقیبی جدی و قدرتمند دید. زیرا برکه در اثر مساعدت به منگوقاآن برای دستیابی به تاج و تخت قراقروم، قدرت و مقام فراوان یافته بود (همو، ۸۷/۳؛ مقریزی، ۱۹۵۶: ۱(۲)/۴۷۳-۴۷۴، حاشیه ۵) و بدین دلیل از هر فرصتی برای خواری و تضعیف هلاکو و تجاوز به قلمرو او بهره می جست. در مقابل هلاکو که از قدرت یابی روزافزون برکه و تجاوز او به قلمروش به تنگ آمده، آشکارا به تهدید پرداخت و اعلام کرد رشته های قرابت و دوستی میان آنان گسسته شده است (رشیدالدین فضل الله، ۱۳۶۲: ۳/۸۷، ۷۷). از دیگر سو، خان بزرگ مغول با اعطای حکومت آذربایجان، اران و روم که تا کنون در تملک آلتین اردو بود به هلاکو، عملاً به برکه اهانت کرد و به افزایش تخصصات میان آنان دامن زد (رمزی، ۱۹۰۸: ۱/۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۸). ظاهراً برکه هراس آن داشت که با استیلای هلاکو بر مصر و شام، قلمروش در حد سرزمین یک رعیت فرودست کاهش یابد.

به رغم دوراندیشی های هلاکو در برابر تجاوز و گستاخی های برکه، سلسله نبردهایی در قفقاز آغاز شد؛ نخستین بار جنگی سخت در ۶۶۰ق/۱۲۶۲م بین طرفین رخ داد. لشکر برکه متشکل از سی هزار سوار با عبور از دربند، در شروان فرود آمد و لشکریان هلاکو را در نزدیکی شمشاخ شکست داد و بسیاری را از دم تیغ گذراند (رشیدالدین فضل الله، ۱۳۶۲: ۱/۳۳؛ رمزی، ۱۹۰۸: ۱/۴۲۰-۴۲۲). چندی بعد، هلاکو در نبردی دیگر در محرم ۶۶۱ق/۱۲۶۳م پیروز شد و دربند را تسخیر کرد اما در حالی که او در تعقیب دشمن فراری بود، برکه با نیرویی عظیم در ساحل رود ترک غافلگیرانه بر آنان یورش برد و بسیاری را کشت (همو، ۱۹۰۸: ۱/۴۲۳-۴۲۵). با این همه برکه در اخراج دشمن دیرینه خود از قفقاز توفیقی به دست نیاورد. پس از آن هلاکو در جمادی الاخر ۶۶۲ق/۱۲۶۴م به تبریز بازگشت و مشغول تدارک قوا برای نبردی دیگر گردید. این جنگها میان دو حکومت مغولی موجب شادی مردم قاهره گردید (مقریزی، ۱۹۵۶: ۱(۲)/۴۷۳-۴۷۵؛

۱. رمزی، ۱۹۰۸: ۱/۴۱۴-۴۱۵. مورگان معتقد است که سیاست خارجی آلتین اردو بر دستیابی به مراتع غنی و راههای کاروان رو آذربایجان متمرکز بوده است. از این رو آنان همواره به تصاحب بخشهایی از شمال غربی ایران و قفقاز که توسط مغولان اشغال شده بود، چشم دوخته بودند. ۱۳۷۱: ۱۷۳-۱۷۴.

رمزی، ۱۹۰۸: ۱/ ۴۲۹) و پایه های دولت ممالیک مصر را که از سوی مغولان لرزان می نمود، مستحکم کرد.

بدین ترتیب درگیری هلاکو با برکه بر سر قدرت و اقدام او به قتل و غارت شهرهای اسلامی خاصه بغداد و نابودی خلافت عباسی و نیز گرایش به مسیحیت، خشم خان مسلمان آلتین اردو را به دنبال داشت و سرانجام به نزدیکی و هم پیمانی دو حکومت اسلامی ممالیک و آلتین اردو انجامید. از این رو مذاکرات رسمی میان دو همتا از ۶۵۹ق/ ۱۲۶۱م آغاز گردید و تا ۶۶۱ق/ ۱۲۶۳م که میان آنان پیمانی منعقد گردید، ادامه یافت (همو، ۱۹۰۸: ۱/ ۴۲۳، ۴۲۷).

بیبرس با هدف تحکیم روابط دوستانه از دویست سوارکار مغولی دشت قبیچاق که در ۶۶۰ق/ ۱۲۶۲م از لشکر هلاکو به مصر گریخته و نمی توانستند مستقیماً به سرزمین خود بازگردند^۱، به گرمی استقبال کرد (عینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۳۶۴-۳۶۵) و یک سال بعد نیز هزار و سیصد سوار را با خانواده هایشان و سرانجام گروهی دیگر را در ۶۶۲ق/ ۱۲۶۴م در مصر پناه داد (ابن عبدالظاهر، ۱۹۷۶: ۱۷۸-۱۷۹؛ ابن واصل، بی تا: ۴۰۲/۲، ۴۰۳، ۴۰۶؛ مقریزی، ۱۹۵۶: ۱ (ق ۲)/ ۵۰۰، ۵۰۱). سلطان آنان را تکریم کرد و در خانه هایی در اراضی لوق^۲ اسکان داد و پس از اعطای مال و خلعت، به برخی از آنان اقطاعاتی داد و همگان را در سلک ممالیک خود درآورد (عینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۳۶۴-۳۶۵؛ رمزی، ۱۹۰۸: ۱/ ۴۳۰). روابط حسنه دو حکومت بدین امر منتهی نشد بلکه پس از تغییر موازنه نظامی بر ضد مغولان در جنگ ترک، قاهره و سرای براساس اهداف سیاسی، اقتصادی، نظامی و دینی رسماً با هم متحد شدند^۳. از این رو هیأتی حامل پیام برکه خان به بیبرس به مصر رسید که "دانستن این نکته بر سلطان ضروری است که من به خاطر اعتلای سخن خداوند

۱. پیش از تیرگی روابط آلتین اردو با مغولان، برکه خان گروهی از لشکریانش را به یاری هلاکو در نبرد عین جالوت فرستاده بود، اما پس از ایجاد خصومتها میان طرفین، آنان به دستور برکه به مصر گریختند (مقریزی، ۱۹۵۶: ۱ (ق ۲)/ ۴۷۳-۴۷۵).

۲. اراضی لوق باغها و مزارعی بود که قاضی فاضل، وزیر صلاح الدین ایوبی، آن را احیا و آبادان کرده بود. پناهندگی مغولان قبیچاق به مصر، سبب گردید که بیبرس برای نخستین بار بناهایی برای سکونت آنان در این اراضی احداث کند. پس از این اقدام بود که ساخت بناها در این اراضی فزونی گرفت. مقریزی، ۱۹۵۶: ۱/ ۴۷۴، حاشیه ۱.

۳. بیبرس در نامه ای به شدت برکه خان را بر ضد هلاکو تحریک کرد (عینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۶۵).

و تعصب دینی با کسی (= هلاکو) جنگیدم که از گوشت و خون من بود؛ زیرا او سرکش و کافر به خدا و رسول اوست... " (عینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۶۰-۳۶۱؛ رمزی، ۱۹۰۸: ۱ / ۴۴۱).

پس از حضور گروه اعزامی در ۱۶ شعبان ۶۶۱ ق / ۱۲۶۳ م در مصر، خلیفه الحاکم بامر الله در خطبه نماز جمعه بر که خان را دعا گفت و در کنار نام سلطان بر منابر مکه، مدینه، بیت المقدس و قاهره به نام او خطبه خواندند (همانجا؛ مقریزی، ۱۹۵۶: ۱ / ۴۹۸). علاوه بر این، بیبرس در قلعه جبل بر هیات مذکور خلعت پوشانید (رمزی، ۱۹۰۸: ۱ / ۴۳۶) و آنان را در رأس گروهی بلند پایه به همراه شماری از تجار معتمد خود، همراه با هدایایی نفیس^۱ به دشت قبچاق فرستاد و در نامه‌ای مشتمل بر ۷۰ ورقه بغدادی^۲ بر که خان را به تحریک بیشتر بر ضد هلاکو ترغیب کرد (ابن عبدالظاهر، ۱۹۷۶: ۱۷۱؛ مقریزی، ۱۹۵۶: ۱ (ق ۲) ۴۷۷-۴۷۹؛ رمزی، ۱۹۰۸: ۱ / ۴۳۱) اما این هیأت مدتی در راه قسطنطنیه به دست امپراتور بیزانس، میخائیل هشتم پالئولوگوس، گرفتار آمد و در این میان برخی از حیواناتی که بیبرس به رسم هدیه به سوی بر که فرستاده بود، هلاک شدند (نک: همو، ۱۹۰۸: ۱ / ۴۳۳-۴۳۵؛ نویری، ۱۴۱۰: ۳۰ / ۸۷-۸۸). در واقع، امپراتور از ترس آگاهی رسولان هلاکو که در دربار بیزانس بودند، و در نتیجه جلوگیری از خشم هلاکو بدین اقدام زد. بیبرس که از عملکرد او به شدت خشمگین بود، اسقف و بطریق‌های دربار را احضار و پیامد پیمان شکنی و تحریم همه جانبه را به آنان گوشزد کرد. از این رو گروه اعزامی با وساطت کشیشان آزاد گردید و پیغام و هدایای سلطان را به مقصد رساندند (مقریزی، ۱۹۵۶: ۱ (ق ۲) ۴۹۸-۵۱۴). در مقابل، بر که خان نیز با جشن و پایکوبی مقدم آنان را گرامی داشت و با احترام آنان را نزد همسرش، چیچک خاتون، اسکان داد. آنان پس از اقامتی ۲۶ روزه و بازگشت به مصر، ماقع را چنین تشریح کردند که «همه شاهزادگان دربار، امام و مؤذنی خاص داشتند و کودکان در مدارس قرآن حفظ می‌کردند» (رمزی، ۱۹۰۸: ۱ / ۴۳۹-۴۴۰؛ نیز نک: Arnold, 1974: 229).

۱. ابن ابی الفضایل (بی تا: ۱۱۲-۱۱۳) و عینی (۱۴۰۷: ۱ / ۳۶۱-۳۶۲) به تفصیل به ذکر هدایا پرداخته‌اند، قس: ابن عبدالظاهر، ۱۹۷۶: ۱۷۲-۱۷۳.

۲. ورقه بغدادی بهترین و نرمترین برگه‌های موجود بود که از آن برای کتابت قرآن یا مکاتبه با سلاطین و رجال حکومتی استفاده می‌شد. ابن عبدالظاهر، ۱۹۷۶: ۱۷۱؛ فلکشندی، بی تا: ۴۶۷/۲.

دو حکومت صرفاً به تبادل سفرا اکتفا نکردند، بلکه بیبرس با ازدواجی سیاسی با دختر برکه خان^۱ زمینه‌های تحکیم روابط را بیش از پیش فراهم ساخت و این مناسبات سیاسی و دینی حسنه منجر به ایجاد روابط تجاری گردید. در این دوره حکومت ممالیک به دلیل درگیری در دو جبهه‌ی مغولان و فرنگان ناگزیر بود به تقویت نیروی نظامی خود پردازد. از این رو بیبرس به تجارت برده از دشت قیچاق و بازارهای وابسته به آن در آسیای صغیر و سواحل دریای سیاه روی آورد. دشت قیچاق به دلایل زیر بهترین سرزمینی بود که می‌توانست دولت ممالیک را در وصول به اهداف خویش یاری کند:

۱. مردم قیچاق به دلیل نامساعد بودن شرایط آب و هوایی و کمبود چراگاه‌ها با رنج و مشقت بسیار و در بدبختی زندگی به سر می‌بردند؛ به گونه‌ای که برای تأمین مایحتاج خود، گاه ناگزیر فرزندان خویش را با بهایی اندک می‌فروختند.

۲. آنان پیوسته با همسایگان خود جنگ داشتند و از این رهگذر جمعیت انبوهی از چرکس‌ها، روس‌ها، مجارها، آلان‌ها و اسلاوها را به اسارت گرفته و در بازارهای برده به فروش می‌رساندند (فلقشندی، بی تا: ۴۵۷/۴-۴۶۴). از این رو سرای، پایتخت قیچاق، محل عرضه‌ی انواع نژادهای بردگان و آمد و شد تجار برده بود (همو، ۴۵۷/۴؛ نیز نک: Heyd, 1889 : V.II, p.557).

با این همه تسهیل واردات برده به مصر مستلزم تأمین امنیت و عبور و مرور آزادانه‌ی تجار برده از آسیای صغیر، دریای سیاه و مدیترانه بود. از این رو بیبرس ناگزیر با امپراتور بیزانس و سلاجقه‌ی روم که کنترل راههای ارتباطی قاهره-سرای را در دست داشتند، پیمانهای تجاری بست. او برای کسب اجازه‌ی عبور و مرور کشتی‌های حامل بردگان از تنگه‌ی دریای سیاه در ۶۶۰ق / ۱۲۶۲م با

۱. برای آگاهی از همسران بیبرس، نک: مقریزی، ۱۹۵۶: ۱ (ق ۲) / ۶۴۰-۶۴۴.

۲. انصاری دمشقی گوید: "بازرگانان همواره برای فروش کالاهای خود و نیز خرید کنیزکان و بردگان، قندس و برطاس (پوست نوعی روباه که از ولایت برطاس می‌آوردند) می‌آیند و خداوند از این طایفه گروههایی را در مصر و شام جای داده است...". ۱۳۵۷: ۴۴۸.

میخائیل هشتم (ابن واصل، بی تا: ۴۰۲)، و با هدف دستیابی به بازارهای برده فروشی آسیای صغیر و تسهیل عبور و مرور تجار از آسیای صغیر به اسکندریه و دمیاط، با عزالدین کیکاوس سلطان سلاجقه روم، هم پیمان شد و بی درنگ اقدامات درخور توجّهی برای واردات برده آغاز کرد (ابن واصل، همانجاها؛ مقریزی، ۱۹۵۶: (ق ۲/۴۷۱). کشتی‌ها سالانه دو بار بردگان را از دشت قبحاق بارگیری و پس از عبور از دریای سیاه در بنادر دریای مدیترانه در اسکندریه و دمیاط، آنان را تخلیه می کردند^۱ (ابن عبدالظاهر ۱۹۷۶: ۲۰۲، ۲۰۳؛ مقریزی، ۱۹۵۶، ۱ (ق ۲/۴۶۹)؛ ابن تغری بردی، ۱۳۸۳: ۱۹۷/۷). بردگان پس از آموزش امور دینی و فنون نظامی در «طباق»^۲، به «جیش سلطان» می پیوستند (همو، ۱۳۸۳: ۷ / ۱۹۰-۱۹۱؛ مقریزی، ۱۲۷۰: ۲/۲۱۳-۲۱۴). بیبرس از این طریق شمار ارتش خود را به چهل هزار نفر رسانید و نیروی نظامی قدرتمندی تشکیل داد (ابن تغری بردی، ۱۳۸۳: ۱۹۷/۷).

از سوی دیگر قطع ارتباط برکه با دربار مغول در پکن نه تنها بدو لطمه ای وارد نکرد، بلکه او با هم پیمانی با بیبرس، از مزایای ایجاد رابطه با حکام هم پیمان ممالیک نظیر بیزانس، سیسیل، آراگون و قشتاله بهره مند گردید (Lane-poole, 1969 : 266,277). در نتیجه مغولان مورد تهدیدی فراگیر قرار گرفتند که دامنه‌ی آن از دره‌ی نیل تا دریای سیاه و حوزه‌ی رودخانه‌ی ولگا می رسید.

با وجود این، مرگ برکه خان به روابط حسنه سیاسی - تجاری آلتین اردو و ممالیک خاتمه داد و در دوره‌ی حکومت منگوتمر (= منگوتیمور، حکم: ۶۶۴-۶۸۱ ق/ ۱۲۶۶-۱۲۷۳ م) برادرزاده‌ی او، فصل سردی در روابط قاهره و سرای آغاز گردید. وی به رغم بی اعتقادی به دین اسلام، در ابتدا اتحاد خود را با بیبرس حفظ کرد (مقریزی، ۱۹۵۶: ۱ / ۵۶۳، ۵۸۸) و در جنگی بر ضد ایلخانان شرکت کرد (وصاف، ۱۲۶۹: ۱ / ۵۱) اما چندی بعد با مساعدت ایلخانان در لشکرکشی به مصر (همو، ۱۲۶۹: ۱ / ۸۹-۹۰)، روابط آنان به تیرگی گرایید. از این روست که منابع از این پس

۱. خان مسرور از بازارهای مشهور قاهره بود که در میدان بزرگ آن بردگان را می فروختند (مقریزی، ۱۲۷۰: ۲/۹۲).

۲. طباق منازلی بسیار وسیع بود که گنجایش هزار مملوک داشت. بیبرس نخستین کسی بود که طباقی را برای مملوکان در

مجاورت قلعه جبل ساخت. نک: قلقشندی، ۳۷۵/۲، ۳۷۶؛ ابن شاهین، ۲۷۷؛ قس: ابن تغری بردی، همان، ۱۹۰-۱۹۱.

اطلاعاتی درباره‌ی روابط حسنه‌ی سیاسی یا تجاری آنان به دست نمی‌دهند. ظاهراً منگوتمر بر اثر فشار قویلی، با ایلخانان صلح کرد (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۵۵).

نتایج

- ۱- در سده‌ی هفتم هجری حملات مغولان به دشت قبچاق و قتل و غارت مردم، کاهش جمعیت و رکود تجارت را به دنبال داشت. با این همه، آنان پس از استقرار و تثبیت، با تامین نظم و امنیت در شاهراه تجاری چین - ترکستان - خراسان بزرگ و ماوراء النهر - دریای سیاه و تشویق بازرگانان به عبور از این راه، باعث شکوفایی تجارت خراسان بزرگ و ماوراء النهر شدند و بر راه تجارت دریایی چین - اقیانوس هند - دریای سرخ تاثیر نامطلوبی برجای گذاشتند.
- ۲- مساعی برکه، خان آلتین اردو، در جهت رونق اوضاع تجاری دشت قبچاق نظیر ایجاد فرصتهای اقتصادی در شهرهای مختلف چون سرای و خوارزم، احیای راههای تجاری آسیا و اروپا که به دلیل وجود راهزنان متروک و ناامن مانده بود و اعطای تسهیلات به تجار پای بسیاری از بازرگانان ملل مختلف را به صحنه‌ی تجارت دشت قبچاق باز کرد. در این تجارت پرسود بازرگانان ایتالیایی به ویژه جنوایی ها از طریق اتحاد با امپراتور بیزانس و انحصار تجارت خراسان بزرگ و ماوراء النهر در دست خود، نقش قابل توجهی ایفا کردند و این امر آنان را در تقابل با مغولان و در نتیجه هم پیمانی با آلتین اردو قرار داد.
- ۳- حمایت هلاکو از قویلی در جریان نزاعهای خاندانی، درگیری او با برکه خان بر سر قدرت، جانبداری از مسیحیان و نیز قتل و غارت شهرهای اسلامی خاصه بغداد و نابودی خلافت عباسی که خشم خان مسلمان آلتین اردو را به دنبال داشت از یک سو و وجود دشمن مشترک مغولان برای آلتین اردو و ممالیک از سوی دیگر صحنه‌ی سیاسی و نظامی را دگرگون ساخت و به نزدیکی و هم پیمانی ممالیک و آلتین اردو انجامید. این مناسبات سیاسی حسنه روابط تجاری گسترده ای را به دنبال داشت؛ حکومت ممالیک به دلیل درگیری در دو جبهه‌ی مغولان و فرنگان ناگزیر بود به تقویت نیروی نظامی خود پردازد. از این رو بیبرس به تجارت برده از دشت قبچاق و بازارهای وابسته به آن در آسیای صغیر و سواحل دریای سیاه روی آورد. در مقابل، برکه با قطع

رابطه با دربار خان مغول نه تنها صدمه ای ندید، بلکه با هم پیمانی با بیبرس از مزایای ایجاد روابط با دول هم پیمان ممالیک نظیر بیزانس، سیسیل، آراگون و قشتاله بهره مند گردید.

۴- اهداف دو حکومت ممالیک و آلتین اردو از ایجاد روابط با یکدیگر که فقط در دوره بیبرس پایدار بود، اغلب جنبه سیاسی، نظامی و اقتصادی داشت تا دینی و عوامل دینی بر استحکام این روابط تاثیر چندانی نداشت. از این رو نتوانست آن را، به ویژه در دوره های واپسین، تعمیق بخشد.

منابع

- انصاری دمشقی، شمس الدین محمد، (۱۳۵۷ش)، *نخبة الدهر فی عجائب البر والبحر*، ترجمه حمید طیبیان، فرهنگستان ادب و هنر ایران: تهران.
- ابن ابی الفضائل، مفضل، (بی تا)، *النهج السدید و الدر الفرید فیما بعد تاریخ ابن عمید*، تصحیح بلوشه، پاریس.
- ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۴۰۷ / ۱۹۸۷)، *الکامل فی التاریخ*، تصحیح محمد یوسف دقاق، دارالکتب العلمیه: بیروت.
- ابن بطوطه، (۱۳۵۴ش / ۱۹۸۷م)، *تحفة النظائر فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار*، تحقیق محمد عبدالمنعم عریان و مصطفی قصاص، دار احیاء العلوم: بیروت.
- ابن تغری بردی، جمال الدین ابوالمحاسن یوسف، (۱۳۸۳ق / ۱۹۶۳م)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة*، الثقافة و الارشاد القومي: قاهره.
- ابن شاهین، خلیل، *زبدہ کشف الممالک و بیان الطرق و المسالک*، (۱۸۹۴م)، تصحیح بولن راویس، المطبعة الجمهوریه: پاریس.
- ابن عبدالظاهر، محی الدین، (۱۹۷۶م)، *الروض الزاهر فی سیرة الملك الظاهر*، تحقیق عبدالعزیز خویطر، ریاض.
- ابن کثیر، اسماعیل، (۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م)، *البدایة و النهایة*، به کوشش احمد ابوملحم و دیگران، دارالکتب العلمیه: بیروت.

ابن واصل، جمال الدین، (بی تا)، *مفرج الکروب فی أخبار بنی ایوب*، دارالکتب المصریه: قاهره.
استریکلر، جیمز. ای، (۱۳۸۴)، *روسیه نزاری*، ترجمه نادر میرسعیدی، ققنوس: تهران.
اشپولر، برتولد، (۱۳۵۱ش)، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب، بنگاه ترجمه و نشر
کتاب: تهران.

بارتولد، و. و، (۱۳۷۶ش)، *تاریخ ترک های آسیای میانه*، ترجمه غفار حسینی، توس: تهران.
رشیدالدین فضل الله، ابوالخیر موفق الدوله علی، (۱۳۶۲ش)، *جامع التواریخ (از آغاز سلطنت
هولاکو تا پایان دوره غازان خان)*، به کوشش بهمن کریمی، اقبال: تهران.
رمزی، م.م، (۱۹۰۸م)، *تلفیق الاخبار و تلقیح الاثار فی وقائع قزان و بلغار و ملوک التتار*،
اورنبورغ.

ساندرز، ج. ج، (۱۳۶۷ش)، *تاریخ فتوحات مغول*، ترجمه ابوالقاسم حالت، امیرکبیر: تهران.
صورتاقلیم، مولف ناشناخته، (۱۳۵۷ش)، *مصحح منوچهر ستوده*، بنیاد فرهنگ ایران: تهران.
گروسه، رنه، (۱۳۸۳ش)، *تاریخ مغول چنگیزیان*، ترجمه محمود بهفروزی، آزادمهر: تهران.
عینی، بدرالدین محمود، (۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م)، *عقدالجمان فی تاریخ اهل الزمان*، تحقیق محمد
محمد امین، هیئته المصریه العامه للکتاب: قاهره.

قلقشندی، ابوالعباس احمد بن علی، (بی تا)، *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، الموسسه المصریه
لتالیف و الترجمة و النشر: قاهره.
مارکوپولو، (۱۳۶۳ش)، *سفرنامه* (معروف به *ایل میلیونه*)، ترجمه منصور سجادی و آنجلا دی
جوانی رومانو، گویش: تهران.

مری، هال، (۱۳۸۰ش)، *امپراطوری مغول*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، ققنوس: تهران.
مستوفی قزوینی، حمدالله، (۱۳۵۳ش)، *نزه القلوب*، به اهتمام گئی لسترنج، بنیاد فرنگ ایران:
تهران.

مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، (۱۹۵۶م)، *السلوک لمعرفة الدول و الملوک*، تحقیق و
تصحیح مصطفی زیاده، لجنه التالیف و الترجمة و النشر: قاهره.
همو، (۱۲۷۰ق / ۱۸۵۳م)، *المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الاثار*: بولاق.

مورگان، دیوید، (۱۳۷۱ش)، مغولها، ترجمه عباس مخبر، مرکز: تهران.

میرخواند، برهان الدین، (۱۳۳۹ش)، روضة الصفا، خیام: تهران.

نویری، شهاب الدین احمد، (۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰م)، نه‌ایه الایرب فی فنون الأدب، تحقیق محمد عبدالهادی شعیره.

وصاف الحضرة، عبدالله بن فضل الله، (۱۲۶۹)، تاریخ وصاف، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، بمبئی.

ویلتس، دوراکه، (۱۳۵۳ش)، سفیران پاپ به دربار خانات مغول، ترجمه مسعود رجب نیا، خوارزمی: تهران.

Arnold . T. (1974), *The Preaching of Islam: A history of the propagation of the Muslim faith* , London.

Charles, j, (1987), *Russia and Golden Horde*, Tauris and publishers: London.

Halperin , C .j ,(1983) , “Russia and the Mongol Empire in comparative perspective”, *Harvard journal of Asiatic studies*, 43 / 1, PP. 239- 261.

Heyd , W. (1889) , *Histoire du commerce du levant au Moyen - Âge* , Leipzig .

Meyvaert , P. (1980), “ An unknown of Hulagu II –Khan of Persia to king Louis IX of France ” , *Viator* 11, pp. 245- 259.

Lane Poole , Stanley, (1969), *A History of Egypt in the Middle Ages*, Haskell House publishers : New York.

Spuler, (1986), ”BATUIDS, *El*² , V. I, Leiedn: E.J. Brill.